

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تی یری میسان - par Thierry Meyssan

برگردان از: حمید محوی

۱۳ اگست ۲۰۱۵

سوریه، هنر بیان و حقیقت

Syrie, rhétorique et vérité

از دو هفته پیش، رسانه های بین المللی زمزمه مبهمی راه انداخته اند و از آغاز عملیات نظامی ایالات متحده علیه سوریه حرف می زنند. تی یری میسان که پیش از این توطئه جنرال جان آلن John Allen و دوستانش را برای تخریب توافقات ایالات متحده و ایران افشاء کرده بود، در اینجا دوباره به پوچی این دروغ رسانه ئی می پردازد. او توضیح می دهد که چرا پشتیبانی ستراتیژیک روسیه و چین از یک سوریه لائیک قابل معامله نیست و نمی توان بر سر آن چانه زنی کرد.

شبکه بین المللی ولتر/دمشق (سوریه)/۱۰ اگست ۲۰۱۵



جنرال آلن در اسپن انجمن امنیتی

در ۲۷ جولای نیویورک تایمز از ایجاد یک منطقه امنیتی توسط واشنگتن و آنکارا در سوریه خبر داد که می بایستی مکانی باشد برای سکنا دادن مردم آواره سوریه که هم اکنون در ترکیه به سر می برند (۱). کمی بعد کاخ سفید این گزارش را مردود اعلام کرد. در مقاله پیشین توضیح داده بودم که نیویورک تایمز از سوی جنرال جان آلن و در عین حال از سوی فرستاده ویژه اتحادیه بین المللی ضد داعش و به همین گونه از سوی دولت موقت ترکیه گزارشات مسمومی دریافت کرده بود (۲). در آن مقاله یادآوری کردم که پیش از این جنرال آلن دوبار در توطئه علیه صلح سوریه

شرکت داشت، یکی در جون ۲۰۱۲ و دیگری در دسمبر ۲۰۱۴، و رئیس جمهور اوپاما نیز در سه سال پیش از این در سپتامبر ۲۰۱۲ می خواست او را بازداشت کند.

بسیاری از مفسران این گزارش را به گزارش دیگری نزدیک ساختند که بر اساس آن پنتاگون این حق را برای خود حفظ کرده است که از این پس از «شورشیان میانه رو» پشتیبانی کند و در صورتی که مورد حمله قرار گیرند، هر که باشد به آن پاسخ خواهند گفت. از این گزارش نتیجه گرفتند که گوئی سرانجام راه اندازی اردوی ناتو علیه جمهوری عرب سوریه که این همه منتظرش بودند آغاز شده. ولی چنین تعبیری صحیح نیست و عناصر اطلاعاتی را باید به شکل دیگری تعبیر کرد.

بیانیه های متناقض و واقعیت عینی در محل

موضوع این است که اتحادیه متعهد شده است که به ارتش عرب سوریه حمله نکند و تنها داعش و از این پس علیه القاعده نیز در سوریه مبارزه کند. علاوه بر این، نقشه پرواز بمب افکن ها و مأموریت قطعه هایش را در زمین با میانجیگری متحدان کرد سوریه به ستاد فرماندهی ارتش عرب سوریه اطلاع می دهد. به این شکل، اتحادیه از پیش خودش را بیمه می کند که شکاری های سوریه به سراغشان نروند آمد و علاوه بر این با ارتش عرب سوریه هدف مشترکی را پی گیری می کنند ولی بی آن که هماهنگی بیشتری وجود داشته باشد.

بریتانیایی ها و فرانسوی ها رسماً در عملیات نظامی در خاک سوریه شرکت نمی کنند. با این وجود می دانیم که چنین نیست. چند ماه است که این کشورها داعش را در سوریه بمباران می کنند. چند روز پیش، وزیر امور خارجه بریتانیا مجبور شد در مجلس عوام حقیقت را اعتراف کند (۳). ولی همکار فرانسوی او (لوران فیبوس) که زیر فشار سیاسی مشابهی قرار ندارد همچنان واقعیات را نفی می کند.

علاوه بر این، بریتانیایی ها ۱۲۰ اس آ اس (نیروی هوایی ویژه) برای هدایت حملات هوایی در زمین مستقر کرده اند (۴). این مأموریت به ویژه برای خارجی هائی که منطقه را نمی شناسند خطرناک خواهد بود، به همین علت پنتاگون ۶۰ «شورشی میانه رو سوریه» را برای کمک به آنها آموزش داده است. ۵۴ نفر از آنها که وارد خاک سوریه شده بودند فوراً مورد حمله نیروهای القاعده قرار گرفتند.

مسخره به نظر می رسد که مدعی شویم پنتاگون این ۶۰ مبارز را به هدف جنگ علیه صدها هزار سرباز ارتش عرب سوریه فرستاده تا جمهوری سوریه را سرنگون کند. تنها عملکرد آنها شرکت در اتحادیه ضد داعش بوده و تنها مأموریت آنها نیز مشخص کردن اهداف زمینی برای بمب افکن ها اعلام شده است.

همان گونه که وزیر امور خارجه روسیه سرگئی لاورف به آن اشاره کرد، حقیقت این است که بیانیه به شکل نامشخصی منتشر شده بود. سخنگوی کاخ سفید با توجه به تمایلات بخشی از ایالات متحده و رهبران فرانسوی و ترک برای ورود جنگ تمام عیار علیه سوریه می بایستی حدس می زد که ممکن است موجب سوء تعبیر شود. ولی در عمل ترجیح داده بود با ترفند زبانی مخالفان توافقات ایالات متحده و ایران را به اشتباه بیندازد.

با این حساب، پنتاگون به وضعیتی که پیش آمده بود اشاره کرد. ۵۴ «شورشی میانه رو» توسط القاعده مورد حمله قرار گرفتند و او از آنها دفاع کرده است. طی ماه های اخیر فرانسه، عربستان سعودی و ترکیه تلاش کردند القاعده (جبهه النصره) را بازسازی کنند تا جایگزین قابل قبولی برای داعش به وجود بیاورند.

خلاف نتیجه گیری های بسیاری از مفسران، با بمباران داعش و القاعده که تازگی دارد، پنتاگون در انطباق با توافقاتش با ایران، در واقع به بازی جمهوری عرب سوریه پیوست.

اصول جغرافیای سیاسی

در اینجا به کندو کاو عمیق این جریان می پردازیم. این بحث و جدلی که راه افتاد، به شکل ماهرانه ای توسط جنرال آلن در I'Aspen Security Forum (یک نوع اتاق فکری درباره بهبود مناسبات جهانی به شکل شبکه بین المللی... در اسپن در کلرادو) و توسط ترکیه برای تغییر جهت رادیکال سیاست ایالات متحده ساخته و پرداخته شده بود. این نظریه چنین است که واشنگتن پس از تردیدهای طولانی در جنگ تمام عیار علیه سوریه، سرانجام تصمیم نهائی اش را گرفت. سوریه به زودی، مانند لیبیا در گذشته، بمباران می شود و سرانجام از دست رئیس جمهور بشار اسد آسوده خواهیم شد. اگر واقعاً چنین موردی وجود خارجی داشته باشد، ما وارد جنگ جهانی خواهیم شد.

در واقع، پیش از این روسیه و چین چهار بار طرح قطعنامه برای آماده سازی حمله علیه سوریه را وتو کردند. مسکو و پکن با وتوی خود تنها به مخالفت یا خودداری برای پشتیبانی از چنین طرحی بسنده نکردند، بلکه با بانیان چنین طرحی در زمینه دیپلماتیک به منازعه برخاستند. مسکو و پکن اعلام کردند که آماده اند تا با آنهایی که به چنین طرحی ارتکاب می ورزند وارد جنگ شوند.

نخستین وتو در ۴ اکتوبر ۲۰۱۱ واشنگتن را غافلگیر کرد. دومین وتو در ۴ فبروری ۲۰۱۲ ایالات متحده را متقاعد ساخت که باید از «سوریه مثل لیبیا» چشم پوشی کند. فرانسه، قطر و ترکیه تصمیم گرفتند تا دوباره جنگ را ادامه دهند و دو طرح قطعنامه دیگر را مطرح کردند، در ۱۹ جولای ۲۰۱۲ و روی مسأله جنایت علیه بشریت که به جمهوری سوریه نسبت داده بودند به تاریخ ۲۲ می ۲۰۱۴ و در این دو مورد نیز با همان وتو ها روبه رو شدند.

بیانیه های فرانسوی و قطری مبتنی بر این امر که دیپلمات ها سعی کرده اند دوستان روسی شان را از پشتیبانی بشار اسد منصرف سازند، به همان اندازه پوچ است که بیانیه های اخیر بارک اوباما در مورد تحول در موضع گیری روسیه و ایران. البته باید دانست که رئیس جمهور ایالات متحده می خواست مخالفانش را در رابطه با توافقاتش با ایران به موضوع دیگری مشغول سازد و برایشان لالائی بخواند.

ولی ما در اینجا از ایران حرف نمی زنیم، و تنها به روسیه و چین به عنوان دو قدرت دائمی در شورای امنیت توجه نشان می دهیم.

منافع روس ها و چینی ها

موضع گیری مسکو و پکن نه به معنای تحریک ضد غربی، و نه به معنای اتحاد بین دیکتاتورها می باشد، زیرا به همین شکل است که غربی ها رژیم های این دولت ها را تعریف می کنند. مسأله بی گمان یک مسأله جغرافیای سیاسی می باشد که در متن قرن ها تاریخ به ثبت رسیده است. همه چیز هست به جز مذاکره پذیر و قابل معامله.

حضور روسیه در مدیترانه و در خاورمیانه بستگی به رژیمی دارد که حافظ تنوع مذاهب در دمشق باشد. یعنی موردی که با برادران مسلمان (به زبان عربی: اخوان المسلمین) و یا هر گروه و شاخه دیگری از این جریان ناممکن خواهد بود. این موضوع را در گذشته کاترین دوم امپراتریس روسیه اعلام کرده بود و سوریه را به عنوان کلید خاور میانه برای روسیه تلقی می کرد، امروز نیز این واقعیت کلیدی برای رئیس جمهور روسیه ولادیمیر پوتین دست نخورده باقی مانده است. علاوه بر این، روس هائی که اکثراً ارتدکس هستند و از این بابت رنج هائی را متحمل شده اند با مسیحیان سوریه که آنها نیز اکثراً ارتدکس هستند احساس همبستگی می کنند.

مطمئنناً، روسیه همیشه در وضعیتی نبوده است که بتواند از منافعتش دفاع کند. در نتیجه در وضعیت فقدان بود که در سال ۲۰۰۵ پیشنهاد سوریه را برای ایجاد پایگاه دریائی برای ناوگان روسیه با ۳۰ کیلومتر ساحل در بندر طرطوس را نپذیرفت. دمشق با چنین پیشنهادی می خواست از جنگی جلوگیری کند که واشنگتن خیلی پیش از «بهار عرب» پیشبینی

کرده بود. ولی روسیه از دوران فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در مدیترانه ناوگان دریائی نداشت. البته امروز نیروی دریائی اش را باز سازی کرده و از بندر طرطوس استفاده می کند.

چین برای گسترش خود مجبور است راه های قاره ئی را که این سرزمین را به مدیترانه متصل می سازد امنیت سازی کند. در قرون وسطی چینی ها «جاده ابریشم» را ساختند که «شی آن» پایتخت کشور را به دمشق وصل می کرد. خلافت بنی امیه که دین اسلام را بنیانگذاری کرده است از دیگر ادیان بومی مانند یهودیان، مندائیان و مسیحیان حفاظت می کرد. وقتی قدرت امویان تا آسیای مرکزی و تا سین کیانگ گسترش یافت با مذاهب خاور دور همین رفتار را در پیش گرفت، مطمئناً در آن دوران فرقه گرائی اسلامی که امروز مشاهده می کنیم وجود نداشته است. امروز نیز، تمام مذاهب هر روز در مسجد بزرگ دمشق دعا می خوانند. یکی از موزائیک های آن به یادمان پاگودای چینی اختصاص دارد. چین معاصر برای گسترش خود می خواهد «راه ابریشم» را باز سازی کند. به همین علت نیز بود که [بانک سرمایه گذاری زیربنائی آسیا] را بنیانگذاری کرد.

البته نباید اشتباه کنیم، پشتیبانی ستراتیژیک مسکو و پکن از دمشق به این معنا نیست که برای دفاع در مقابل با جهاد طلبان که کشور را به خون ریزی دچار کرده اند نیروی نظامی خواهند فرستاد. نه به این شکل نیست. مسکو و پکن تا کنون به چنین کاری دست نزده اند و در آینده نیز دست به چنین کاری نخواهند زد، ولی تنها از قدرت های غربی جلوگیری می کنند تا آنها نتوانند نیروهایشان را به هدف تخریب جمهوری عرب سوریه به کار ببرند.

از سوی دیگر، ایالات متحده به عنوان قدرت برتر در جهان، تجارت جهانی را مجبور می سازد که از راه دریا و اقیانوس داد و ستد کنند. باآگاهی به این امر که امریکا به کمک انگلستان تمام راه های آبی را کنترل می کند. به همین علت، واشنگتن برای حفظ قدرت خود برآن است تا تلاش برای ایجاد راه های قاره ئی را ناکام بگذارد(۵). هرج و مرج در عراق و سقوط پالمیرا راه ارتباطی از طریق جنوب را قطع کرد، در حالی که هرج و مرج در اوکراین راه ارتباطی از طریق شمال را مسدود ساخت.

در جنگ علیه سوریه، غربی ها و قدرت های خلیج (فارس) از فرقه برادران مسلمان پشتیبانی می کنند، در حالی که روسیه و چین از جمهوری لائیک دفاع می کنند.

توهمات فرانسه، عربستان سعودی و ترکیه

دولت ترکیه که هیچ چیزی از سیاست نمی داند، دو بار تلاش کرد تا ایالات متحده را به جنگ مستقیم علیه سوریه تشویق کند. در ۱۱ مه ۲۰۱۳، عملیات تروریستی گسترده ای را در ریحانلی کشف و افشاء کرد و آن را به سرویس های مخفی سوریه نسبت داد. رجب طیب اردوخان با عجله برای شکایت به ملاقات رئیس جمهور اوباما رفت. ولی اوباما از پیش توسط سازمان سیا مطلع شده بود که عملیات تروریستی که به بهای جان ۵۱ نفر و معلول شدن ۱۴۰ نفر اهالی تمام شده بود، صحنه آرائی سرویس اطلاعاتی ملی ترکیه بوده است، یعنی عملیاتی زیر پرچم دروغین. که موجب استعفای مسؤلان این عملیات شد.

اردوخان چهار ماه بعد به کمک کاخ الیزه دوباره به همین شیوه دست زد و در ۲۱ اگست ۲۰۱۳ حمله کیمیائی غوطه در دمشق را سازماندهی کرد. ام آی ۶ سرویس اطلاعاتی بریتانیائی فوراً از توطئه پرده برداشت و دوستان امریکائی اش را از این موضوع مطلع کرد. پس از صحنه آرائی ماهرانه در مجلس عوام، لندن و واشنگتن، آنکارا و پاریس را با جنایتی که مرتکب شده بودند و رجز خوانی هایشان تنها گذاشتند.

می توانیم درباره قابلیت های دولت اوباما برای دفاع از ستراتیژی جدیدش در پیوند با دین سالاران شیعه ایرانی یا در رابطه با مخالفان ایالات متحده در تداوم ستراتیژی استروسی برای ترسیم مجدد «خاورمیانه بزرگ» و گسترش و عمومی سازی سیاست هرج و مرج حرف بزنیم. ولی در هر صورت هیچ یک از مرز جنگ نیابتی توسط جهادطلبان فراتر نخواهد رفت و به جنگ کلاسیک تبدیل نخواهد شد. این موضوع کاملاً پوچ و بی معنی است که تصور کنیم که واشنگتن به جنگ جهانی سوم دامن بزند و با چین و روسیه وارد جنگ شود، تنها به این هدف که برادران مسلمان را جایگزین بشار اسد کند.

[1] « [Turkey and U.S. Plan to Create Syria 'Safe Zone' Free of ISIS](#) », Anne Barnard, Michael R. Gordon & Eric Schmitt, *The New York Times*, July 27, 2015.

[2] « [Clinton, Juppé, Erdoğan, Daesh et le PKK](#) », par Thierry Meyssan, *Réseau Voltaire*, 3 août 2015.

[3] « [Le Royaume-Uni et la France bombardent Daesh en Syrie](#) », *Réseau Voltaire*, 21 juillet 2015.

[4] “[SAS dress as ISIS fighters in undercover war on jihadis](#)”, Marco Giannangeli and Josh Taylor, *Sunday Express*, August 1, 2015.

[5] “[The Geopolitics of American Global Decline](#)”, by Alfred McCoy, Tom Dispatch (USA), *Voltaire Network*, 22 June 2015.

لینک متن در شبکه بین المللی ولتر

<http://www.voltairenet.org/article188390.html>